

بی پولی، سدی در برابر ازدواج

هزینه‌های زندگی، بزرگ‌ترین مشکل برای تشکیل زندگی مشترک است ...



هزینه‌های زندگی، بزرگ‌ترین مشکل برای تشکیل زندگی مشترک است
بی پولی، سدی در برابر ازدواج

کم‌کم ازدواج‌های پایدار می‌روند که به خاطراتمان بپیوندند. یادش بخیر! کمی قدیم‌ترها جوان تا دست راست و چپش را می‌شناخت بزرگ‌ترها برایش آستین بالا می‌زدند و سروسات عروسی راه می‌انداختند.

به ندرت امکان داشت سن دختر و پسر از 20 سال بگذرد و مجرد مانده باشد. آن روزگار اصلاً اسم طلاق کراهت داشت و کسی جرات عنوان کردن چنین کلمه‌ای را در خانواده نداشت؛ جز مواردی خاص. افسوس که این روزها شرایط دگرگون شده است. سن ازدواج دخترها و پسرها بالا رفته، خیلی‌ها اصلاً انگیزه ازدواج ندارند و طلاق هم امری طبیعی شده است و مسئولان هم تاکنون نتوانسته‌اند این آب رفته را به جوی بازگردانند.

چند وقت پیش #171 محمد سیاح؛ مدیرکل دفتر آمار، اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت‌احوال کشور مانند سال گذشته اعلام کرد ازدواج در سه‌ماهه نخست امسال نسبت به زمان مشابه سال پیش، کاهش و طلاق افزایش یافته است. طبق این آمار در سه‌ماهه نخست امسال 242 هزار و 203 مورد ازدواج و 33 هزار و 782 مورد طلاق در کشور رخ داده و استان تهران با 7 هزار و 310 طلاق رکورددار طلاق در کشور است. این آمار نشان می‌داد که ازدواج 2/6 درصد کاهش و آمار طلاق 2/16 درصد افزایش داشته است. رشد آمار طلاق و کاهش ازدواج و بی‌انگیزگی در جوانان برای تشکیل خانواده، کم‌کم می‌رود به یک اصل پذیرفته‌شده در جامعه تبدیل شود اما آیا جامعه تحمل تاوان عواقب آن را خواهد داشت؟

سخن پول

بی‌انگیزگی جوانان برای تشکیل خانواده که طی سال‌های اخیر روند روبه‌رشدی داشته زنگ خطری برای جامعه به‌شمار می‌رود و از وجود مشکلات اساسی در برنامه‌ریزی مسئولان این حوزه خبر می‌دهد. کارشناسان دلایل مختلفی همچون مشکلات اقتصادی، جامعه‌گریزی، تنوع طلبی، مسئولیت‌گریزی، ترس از شکست در زندگی، همچنین رقابت و قدرت‌طلبی زن و مرد در زندگی مشترک را از دلایلی می‌دانند که تمایل به ازدواج را کاهش داده است اما اغلب جوانان بی‌پولی را بزرگ‌ترین سد مقابل خود می‌دانند. بی‌پولی در شرایط اقتصادی فعلی به سدی بزرگ در برابر ازدواج تبدیل شده است و برخی از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی برای عبور از این سد، بر ازدواج و برگزاری مراسم ساده و امثال آن اشاره می‌کنند؛ در صورتی که اصلاً درد جوانان دم‌بخت، نداشتن پول برای برگزاری مراسم عروسی نیست. آنها امروز پذیرفته‌اند که مخارج این مراسم را می‌توانند در زندگی مشترکشان هزینه کنند و به برگزاری یک مراسم بسیار ساده و کم‌هزینه هم قانع شده‌اند؛ مشکل اصلی پس از ازدواج است. پسر که امروز در خانه پدری روزگار می‌گذراند و بدون پرداخت اجاره‌بها و مخارج زندگی مشترک از مشکلات مالی می‌نالند حتی اگر دانشجوی و سرباز نباشد و در این نابسامانی و بیکاری هم شغلی با ماهی 300-400 هزار تومان حقوق برای خود دست و پا کرده باشد چطور به‌خود جرات ازدواج بدهد؟ اجاره و هزینه‌های زندگی ساده و روزمره چنان سرسام‌آور شده که ساده‌زیستی را هم دشوار کرده است.

واقع‌بینی

دختر و پسر را یک‌شبه وارد خانه بخت کردن کار دشواری نیست اما اینکه آنها چطور باید در این زندگی مشترک خوشبخت شوند و به آرامش برسند و جامعه را بسازند جای تامل دارد. اجازه دهید با عینک خوشبینی برخی مسئولان به موضوع نگاه نکنیم و حقایق را ببینیم. فرض کنیم که جوانی با وام ازدواج و کمک دوروبری‌ها، یک خانه که چه عرض شود یک سوئیت 40 متری اجاره و بدون مراسم عروسی راهی زندگی مشترک شد، بعد چه می‌شود؟ مگر حقوق پایه‌ای که تعیین شده بیش از 300-400 هزار تومان است؟ اجاره‌بهای یک سوئیت 40 متری در محله‌های متوسط شهر تهران حدود 400 هزار تومان است؛ یعنی برابر با تمام حقوق این فرد. اصلاً تصور کنید زوج گیاهخواری پیشه کنند و از خوردن گوشت کیلویی 16 هزار تومان هم صرف نظر کنند و به جای پرداخت کرایه‌های سنگین تاکسی هم سوار اتوبوس شوند و یارانه‌ها را هم برای پول آب و برق و گاز کنار بگذارند، باز هم ماه را به آخر نخواهند رساند. جوان امروز تمام این موارد را حساب می‌کند و نهایتاً انگیزه ازدواجش را از دست می‌دهد. حتی اگر فردی با تمام این شرایط، به هر دلیلی تصمیم به ازدواج بگیرد آیا در زندگی توأم با فشار به آرامش و تعالی که هدف اصلی ازدواج است خواهد رسید؟ کافی است گشتی در دادگاه‌های خانواده بزنید و پای درد دل زوج‌هایی که برای جدایی مراجعه کرده‌اند بنشینید و سخنانشان را تحلیل کنید تا متوجه شوید بسیاری از

آنها را مشکلات مالی، به مرور از هم دور و نهایتاً از هم جدا کرده‌است.

راهکاری که اجرا نشد

آمار حکایت از آن دارد که بیش از 10 میلیون جوان مجرد در کشور وجود دارند که بخش زیادی از آنها با تاخیر ازدواج روبه‌رو هستند و بسیاری از آنها هم به دلیل مشکلات مالی اصلاً انگیزه‌ای برای ازدواج ندارند و به ناچار یا احساسات و نیازهای خود را سرکوب می‌کنند یا دست به اقداماتی خلاف باورهایشان می‌زنند که در هر دو مورد پیامدهای ناخوشایندی برای فرد به دنبال دارد. مشکلات مالی در حالی تبدیل به سدی بلند در برابر اجرای سنت پیامبر مکرم اسلام شده است که قانون تسهیل ازدواج که در تاریخ 27 آذرماه 84 به تصویب مجلس رسید و در تاریخ 7 دی‌ماه همان سال مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت هنوز به درستی اجرا نشده‌است. این قانون می‌توانست کمی از مشکلات ازدواج بکاهد چرا که دولت موظف شده بود با استفاده از امکانات دولتی یا با کمک خیرین مسکن‌ساز، مسکن موقت را به مدت 3 سال و به شکل رایگان در اختیار زوج‌های جوان قرار دهد. به این ترتیب زوج‌های جوان در ابتدای زندگی‌شان حداقل دغدغه پرداخت اجاره‌بها را نداشتند و می‌توانستند با خیالی آسوده‌تر برای آینده خود برنامه‌ریزی کنند. همچنین در این قانون دولت موظف شده بود به زوج‌های جوانی که هیچ کدام دارای شغل نبودند، به مدت 2 سال کمک‌هزینه زندگی پرداخت کند و بعد از شاغل شدن آنها این مبلغ را به تدریج پس بگیرد. افزایش مستمری سربازان و دانشجویان متأهل و تهیه خوابگاه برای دانشجویان متأهل بخش دیگری از وظایفی بود که مجلس در این قانون برای دولت مشخص کرد و می‌توانست تا حدی انگیزه ازدواج را بالا ببرد اما دولت آن را خیلی جدی نگرفت.

عواقب

اقدامات فرهنگی و اقتصادی که تاکنون از سوی مسئولان برای تسهیل ازدواج جوانان انجام شده بی‌تردید کافی و مناسب نبوده که باعث افزایش سن ازدواج و بی‌انگیزگی برای تشکیل خانواده شده‌است. اما این بی‌برنامگی‌ها و کم‌توجهی‌ها چه پیامدهایی خواهد داشت؟ بررسی‌ها حاکی از آن است که میان ارتکاب جرم و بالا رفتن سن ازدواج رابطه مستقیم وجود دارد. روانشناسان معتقدند هنگامی که انگیزه‌های قوی نظیر امیال غریزی، تولیدمثل، استقلال زیستی و تشکیل خانواده به وسیله موانعی سرکوب شوند احساس ناکامی رخ می‌دهد و احساس، شخصیت و هویت فرد را زیرسلطه برده و به تدریج تمامی ابعاد وجودی فرد را در برمی‌گیرد. از سوی دیگر افزایش سن ازدواج و عدم‌ارضای امیال غریزی به شکلی درست، سبب شکل‌گیری عقده‌های روانی و انباشت آنها در شخصیت فرد می‌شود و عصبیت‌های روحی، طغیانگری، احساس پوچی و حتی میل به خودکشی مجال بروز می‌یابند. نکته مهم اینکه روابط نامشروع پیش از ازدواج هم نه تنها به ارضای کامل و جامع منجر نمی‌شود بلکه به دلیل غیراخلاقی بودنش عصبیت‌ها را تشدید هم می‌کند.

افزایش امنیت درونی، بازیابی شخصیتی و حتی رفع برخی مشکلات ذهنی و روانی، بلوغ فردی و اجتماعی، افزایش مهارت و انگیزه و تولید ثروت می‌تواند پیامدهای ازدواج بموقع و موفق باشد. #171؛ غلامعلی افروز؛ روانشناسی که بیش از 30 سال درباره ازدواج و طلاق تحقیق کرده ازدواج را مهم‌ترین انتخاب انسان در طول حیات و وجود همسر مناسب را سبب آرامش می‌داند و می‌گوید: #171؛ در حقیقت ازدواج و تشکیل خانواده انگیزشی قدرتمند برای زوجین ایجاد می‌کند تا از آسیب‌های گوناگونی که در زندگی مجردی در کمین آنهاست، مصون بمانند؛ از این دیدگاه، سلامت شخصیتی فرد و جامعه مهم‌ترین دستاورد ازدواج خواهد بود اما بسیاری از جوانان ما امکان انجام آن را ندارند.

با این تفصیل اگر مسئولان با اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان و اتخاذ راهکارهای مناسب و ریشه‌ای همچون ایجاد شرایط کاری و اقتصادی مناسب، سد بی‌پولی را از مقابل جوانان دم‌بخت بردارند، شاهد افزایش انگیزه ازدواج و تولید ثروت در جامعه خواهیم بود در غیراین‌صورت باید منتظر عواقبی تلخ‌تر از شرایط کنونی باشیم که بی‌تردید گریبان تمام اقشار جامعه را خواهد گرفت.